



پیروزی ششم جدی روز نجات مردم و کشور



حفیظ الله امین از ماه میزان تا ششم جدی ۱۳۵۸ قدرت را بصورت مطلق بدست داشت گرچه قبل از آن هم مسلط ترین و قدرتمند ترین فرد دولت محسوب میگردید بعد از کسب قدرت از تره کی همه کشتار ها و قتل های عام را به وی منسوب نمود و لست طولی از کشته شده گان زمان تره کی را به اطلاع مردم رسانید شعار (مصنوعیت، قانونیت، عدالت) را به جای (کور، کالی، دودی) مطرح ساخت. صدیق فرهنگ در کتاب تاریخ خویش در مورد چنین نگاهشته اند: «امین تاکید و فشاری به این امر داشت که در دوره گذشته یعنی دوره زمامداری تره کی در نتیجه بی اعتنایی وی نظر به

این سه اصل (مصنوعیت، قانونیت و عدالت) حقوق مردم ضایع گردیده بود. قتل قتال به پیمان‌ه گسترده صورت گرفته و زندانها از مردم بی گناه انباشته شده بود. برای توجیه این مطلب به دستور امین فهرستی مرکب از نام تخمین ۷ دوازده هزار نفر در باغ وزارت داخله به دیوارها نصب گردیده بود. و چنین ادعا شد که اشخاص مذکور همه به امر تره کی بدون همکاری و اطلاع او از بین برده شده اند.

با شیندن این مطلب خانواده های اشخاص زندانی و افرادی که مفقود شده بودند به وزارت داخله سرازیر و بعضی نام وابستگانشان را در فهرست مشاهده کرده فریاد، فغان، لعنت و دشنام سردادند و برخی دیگر که نام شخص مطلوب را در فهرست نیافتند در شک و تردید جانکاه باقی ماندند. اما هنگامیکه سروصدای اعتراض عامه اوج گرفته، نزدیک بود به قیام عمومی منجر شود، فهرستها از دیوارها برچیده شد»

مخالفت با جمهوری اسلامی ایران یکی از شعارهای اساسی آن زمان بود. در مورد پاکستان منابع خبری و پژوهشگران نظرات مختلف دارند از نزدیکی و مخالفت وی با پاکستان بحث مینمایند یکی از منابع در مورد چنین مینگارد: اشتیاق و علاقه امین به برقراری روابط نزدیک با پاکستان هر روز افزایش میافت و در روزهای پایانی حکومت خود به دیدار و گفتگو با جنرال ضیاءالحق رئیس دولت پاکستان بی صبری بیش از حد نشان داد. آغا شاهی وزیر خارجه پاکستان بعداً به هریس خبرنگار امریکایی گفت که: «برداشت ما از اشارات امین این بود که وی آماده است که خط دیورند را بپذیرد.»

داکتر شاه ولی وزیر خارجه امین در اواسط دسمبر ۱۹۷۹ از آغا شاهی وزیر خارجه پاکستان التماس گونه خواست تا هر چه زودتر به کابل سفر کند. چون پس از سفر او قرار بود که جنرال ضیاءالحق وارد کابل شود. بر فبیری در کابل مانع انجام سفر آغاشاهی قبل از ۲۲ دسمبر به کابل شد. آغا شاهی میگوید: «به همین روز شاه ولی برایش تلیفون کرد و از وی مصرانه خواست که بروز بعد به کابل سفر نماید. از آواز شاه ولی معلوم بود

که میخواست سفر من به عجله صورت گیرد. وی خیلی مایوس گردید. او میخواست من بدون معطلی به کابل بروم»

شوروی ها وقتیکه با نابودی تره کی و کسب قدرت از جانب امین مواجه شدند با پناه دادن به محمد اسلم و طنجار، شیرجان مزدوریار و اسدالله سروری رئیس امنیت تره کی مخالفت خود را با امین آشکار نمودند. اما در رسانه های جمعی از این اختلاف حرفی وجود نداشت.

از جانب دیگر پرچمیها بمبارزه مخفی متشکل و پر مخاطره رو آوردند و در این مبارزه بسا دشوار در برابر پیگرد رژیم مستبد به سرمداری امین مساله مرگ زنده گی بود. در جریان این مبارزه شمار بزرگی از بهترین پیکارجویان از جان گسیخته پرچی ها در راه آرمان های والای خویش برای آزادی و عدالت جان سپردند، زندانی، شکنجه و سربه نیست شدند؛ ولی پرچم مبارزه عدالت خواهانه را علیه مستبدترین رژیم خود کامه امین به زمین نگذاشتند. در نهایت کمیته مخفی داخل کشور در تماس متداوم با رهبری حزب در راس زنده یاد ببرک کارمل در خارج کشور به همکاری نیرو خاص کشور اتحاد شوروی در یک یورش قهرمانانه رژیم خود کامه امین را از پا درآوردند.

قیام ششم جدی ۱۳۵۸ به عنوان نقطه عطف و چرخش مهمی در روال تکامل قانونمند پروسه انقلابی به منزله پاسخ به نیاز واقعی زمان و ضرورت منطقی ادامه انقلاب به پیروزی رسید و با پایان بخشیدن به شب سیاه و بیداد وحشت دوران تسلط خونبار امین و امینیان جنایتکار، انقلاب دوباره میسر اصلی و مردمی خویش را انتخاب کرد و فصل نوین شد در زندگی توده های میلیونی کشور.

در نخستن روز پیروزی قیام ظرفمند ثور زنده یاد ببرک کارمل مژده پیروزی و ختم زندگی ننگین امین را به مردم افغانستان چنین بیان نمودند:

«اینجانب ببرک کارمل به مناسبت سقوط مرگبار و واژگون شدن رژیم فاشیستی حفیظ الله امین، این جاسوس سفاک امپریالیزم امریکا و دیکتاتور جبار و عوام فریب، به شما هموطنان عذاب دیده مستضعف افغانستان که تاکنون در زیر یوغ جلاد آدمکش و شیاد تاریخ، حفیظ الله امین و امینی ها قرار داشتید، درود می فرستم و شادباش می گویم»

بعد از سقوط سلطه امین و رهایی زندانیان سیاسی روشنفکران و توده های میلیونی در سراسر کشور در تردد و دودلی نسبت به مرحله نوین انقلاب قرار داشتند بخاطر اینکه یک دوره وحشت و دهشت اختناق را سپری کرده بودند. هنوز هم فضای آن شب های تاریک عدم اعتماد بالای نیروهای امنیتی در کشور موجود بوده سوالات متعددی در ذهن هر فرد از جامعه بخاطر آینده خود و اطفال شان خطور میکرد؛ ولی زنده یاد ببرک کارمل طی یک سخنرانی به این سوالات نازل شده چنین پاسخ ارائه کردند:

«از همه اولتر اجازه دهید، تا قبل از ارائه مشی سیاسی دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، از طرف کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، شورای انقلابی و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان، از طرف خود اینجانب ببرک کارمل عمیقترین تأثرات و همدردیها، عظیم ترین احترامات و درودهای آتشین را بمناسبت رنجهای بیکران و اشکهای خونین شما بمناسبت حبس، زندان، تبعید و مهاجرت های جبری، زجر و شکنجه های وحشیانه و غیرانسانی، شهادت و کشتار جمعی ده ها هزار مادران و پدران ما برادران و خواهران ما دختران، پسران و کودکان ما که از طرف حفیظ الله امین میرغضب و بدستور مستقیم این جلاد آدمکش بعمل آمده به پیشگاه شما تقدیم بدارم. از سوی دیگر اعلام میگردد که حفیظ الله امین، این دشمن غدار الله و امین که بنام خدا و اسلام، بنام انسانیت و ملیت بنام خلق و خلقی علیه خدا و اسلام، علیه انسانیت و ملیت، وحشیانه جنگید، این دشمن وطن و ضد ملی که اردوی آزادیبخش افغانستان را، بنفع دشمنان داخلی و خارجی پارچه پارچه کرد و بهترین سربازان خورد ضابطان، افسران قهرمان و جوانان مارا، هموطنان شرافتمند و زحمتکش مارا، به

فجیعترین وضع به زندانها و کشتار گاهها فرستاد، «حفیظ الله امین» این نماینده (سی.آی.ای) جاسوس توطئه گر امپریالیزم امریکا، این خاین به وحدت حزب و دولت به قوای مسلح و انقلاب آزادیبخش ثور، این قاتل و شیاد تاریخ که حتی در برابر شادروان نورمحمد تره کی رهبر عزیز و بنیادگذار شرافتمند حزب ما، نخستین منشی عمومی ح.د.خ.ا و نخستین رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان که نام بزرگش جاویدان باد، به میرمن بیمار، نجیب و دلیرش و به خانواده شریفش رحم نکرد، استقلال افغانستان را مورد معامله ارتجاع خارجی قرار داد و معادل هزاران میلیون ثروت ملی ما را غارت و حیف و میل کرد، غیرت و شرف و ناموس مردم غیور و بانگ افغان را مورد تحقیر و توهین قرار داد برای ابد از صحنه زنده گی وطن محبوب مان افغانستان محو گردید و بنابر طوفان خشم و نفرت خلق، قهر و غضب ملت در دادگاه عادلانه انقلابی خلق و مستضعفین افغانستان یکجا با چند چاکرش بسزای اعمال طاغوتی و شیطانی خود رسید»

در بخش از بیانیه خویش چنین تصریح کردند:

«وظیفه مستقیم ما در شرایط کنونی (معمول داشتن) سوسیالیزم نیست، دولت جدید جمهوری دموکراتیک افغانستان وظیفه تاریخی ملی خود میداند که: پایه های مترقی، اجتماعی و سیاسی جمهوری دموکراتیک افغانستان، این دستاورد بزرگ انقلاب ثور را بسط و توسعه و استحکام بخشد، انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی و ضد امپریالیستی و ضد کمپرادوری را به پیروزی نهایی برساند، و در اولین فرصت ممکن وظایف میرم زیرین را اجرا کند:

اعلام آزادی تمام زندانیان سیاسی، که از دم ساطور حفیظ الله امین تبهکار سربه سلامت برده باشند.

لغو قانون اعدام، لغو تمام مقررات ضد دموکراتیک و ضد انسانی، منع گرفتاریها، توقیف ها، تعقیبات خودسرانه، تفتیش منازل و عقاید، احترام به

اصول مقدس دین اسلام، آزادی وجدان، عقیده و مراسم مذهبی حمایت از نظام کانون خانواده، رعایت اصل مالکیت قانونی، مشروع و عادلانه شخصی که عاری از استثمار سمنگرانه، اختلاس، رشوه خوری، سود خوری، احتکار و قاچاقبری باشد.

تامین شرایط سالم آزادیهای دموکراتیک اعم از آزادی تشکیل احزاب مترقی و وطن پرست و سازمانهای توده ای یا اجتماعی، مطبوعات، تظاهرات، اجتماعات و همایشهای خیابانی، تامین حق کار و تحصیل، تامین آزادی و محرمانگی مکاتبات، مخابرات، مسافرت و مصئونیت منزل، توجه و کمک جدی و بنیادی به نسل نو جوان و شاگردان مکاتب، محصلین و روشنفکران کشور بدون تبعیض.



<https://www.youtube.com/watch?v=abzUxNq3mUU>

همچنان بتاريخ ششم جنوری ۱۹۸۰ بر طبق مشی قبلن اعلان شده دولت از طریق رسانه های گروهی چنین اعلان گردید.

«عفو تمام زندانیان سیاسی که از دم تیغ خونین امین میر غضب سالم باقی مانده اند. بدون در نظر داشت طبقه، مذهب، زبان، قوم، ملیت، ایدئولوژی و اختلاف سیاسی و سازمانی اعلام میگردد» و در این اعلامیه چنین تذکره داده شده بود «بجز چند تن انگشت شمار از باند امین جنایتکار، دیگر هیچ زندانی سیاسی در سراسر افغانستان باقی نمی ماند»

به روز هفت جنوری دروازه های زندان خونین و سیاه پلچرخی در کابل بروی زندانیان سیاسی باز گردید و موج عظیمی از مردم از هزاران تن زندانی آزاد شده استقبال کردند.

در باره آزادی زندانیان سیاسی ببرک کارمل چنین اظهار داشتند:

«هزاران انسان نجیب و وطنپرست از سلولهای باستیل پلچرخی، این مکتب ننگ و عبرت امین سفاک به کانون پر محبت و عطوفت خانواده های خود برگشته و اه و ناله عزیزان شان را به شادی و سرور مبدل ساختند»

سترجنرال نبی عظیمی در کتاب اردو و سیاست در مورد رهایی زندانیان چنین مینگارند:

«بتاریخ یازدهم جدی بیش از پنجهزار نفر زندانی سیاسی آزاد شدند. هزاران نفر از شهریان کابل در زیر سرمای کشنده ماه جدی به این امید که عزیزان و همبستگان خود را باز یابند در بیرون زندان گرد آمده بودند. شور و شغف کسانیکه وابستگان خود را باز مییافتند پایان نداشت. همچنانکه غصه و اندوه، ناله و ضجه، بینوایانی که عزیزان خود را گم کرده بودند و دیگر هرگز نمی دیدند. بی پایان بود. صحنه بی بود رقت انگیز و ماتم زا. هزاران انسان مفقود شده و در کام زمین فرو رفته بودند. هزاران انسان با هزاران آرزو و امید. زندانیان لاغر، زرد انبوه چرکین بودند. موهای کثیف، ناخن های چرکین، لباسهای ژولیده، ریش های رسیده و انبوه نمایانگر اوج ظلم، ستم و فشاری بود که بر آنها تحمیل گردیده بود. آنها می گریستند و حکایت های وحشتناکی را با اشک و اندوه قصه میکردند. از شکنجه گاه های آگسا از اقسام شکنجه

ها، زجر ها، توهین ها، تحقیر ها داستان ها می گفتند. از سفاکی و بی رحمی سید عبدالله امر زندان که خود را خداوندگار زندان و جهان میدانست و بدست خود هر شب انسان ها را روانه دیار عدم می ساخت، از کشتار دیشب در صحن زندان و از زنده به گور کردن امروز در پولیگون پلچرخی، قصه ها بیان میداشتند. می گفتند هیچکس امید رهایی نداشت و هیچکس نمیدانست چه وقت به زندگیش، به هستی اش پایان می بخشند



<https://www.youtube.com/watch?v=X9RVhDTStB0>

این زندانیان تنها مربوط پرچمی ها نبود شامل تمام اقشار و طبقات جامعه بودن و بدون تبعض رها شدند.

ماهیت و خصلت مرحله نوین:

ماهیت و خصلت مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور و پلان های که جهت بهبود زندگی مردم روی دست بود توسط زنده یاد ببرک کارمل جهت روشن شدن اذهان توده ها چنین بیان گردید:

«انقلاب اپریل از لحاظ کرکتر و ماهیت خود یک انقلاب ملی و دموکراتیک

ضد فیودالی و ضد امپریالیستی است. از لحاظ اصول مرامی و تیوری انقلابی و پراتیک انقلابی و وظیفه اولین و اساسی و عمده انقلاب ملی و دموکراتیک ضد فیودالی را محو تمام بقایای مناسبات فیودالی در دهات تشکیل میدهد. نفوس افغانستان در حدود پانزده و نیم میلیون بوده که در حدود دو نیم الی سه میلیون زنده گی قبیله وی، کوچی و نیمه کوچی دارند و ده الی یازده میلیون به صورت مستقیم و غیرمستقیم مربوط به دهات و در ارتباط با زمین و زراعت زنده گی می کنند. به این ترتیب دهقانان نیروی عمده انقلاب را تشکیل میدهد.

لذا به اساس حکم و قانونمندی انقلاب ماست که باید دگر گونی در حیات دهات با امحای مناسبات فیودالی به وجود آید و این امر صرفاً از طریق اصلاحات دموکراتیک ارضی عملی شده میتواند. البته مساله اصلاحات ارضی مساله ساده نیست».

بعد از انقلاب اپریل علی الرغم اشتباهات بزرگ که در زمینه اصلاحات صورت گرفت باز هم حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان موفق شدند که در حدود هفتصد هزار هکتار زمین را به سه صد هزار خانواده توزیع نماید.

باندیت های صادر شده از خارج کشور مخصوصن از پاکستان چین رعب، خوف، وحشت و دهشت در افکار دهاقین نسبت به انقلاب به وجود آورده، سبب شدند که اصلاحات ارضی ما آنطوری که مطابق به پلان بود تحقق نیابد.

بعد از سقوط رژیم خود کامه حفیظ الله امین و استقرار نظام نوین در تحت رهبری ح.د.خ.ا در راس بیرک کارمل در افغانستان فضای جدید با توجیحات گوناگون بوجود آمد.

مردم با گذشتادن یک دوران اختناق، ترور، کشتار های دسته جمعی اقتشار مختلف جامعه اعم از کسبه کاران،

پیشه و ران، افسران، متعلمین و معلمین، روحانیون و سایر اقدار جامعه اکثریت قاطع مردم از تحول ششم جدی استقبال به عمل آوردند.

در میان این اکثریت عظیم، خانواده های قربانیان جنگ و مقاومت و رژیم استبداد و اختناق، آنائیکه مستقیم یا غیرمستقیم زیان دیده بودند، زندانیان آزاد شده اعضا و هواداران حزب دموکراتیک خلق افغانستان، احزاب و سازمانهای سیاسی مترقی و اجتماعی و غالب روشنفکران کشور شامل بودند.

در عرصه جهانی تمام کشورهای سوسیالیستی و آنده از کشورهای که سمتگیری سوسیالیستی داشتند، برخی از کشورهای بیطرف، احزاب کمونیستی و مترقی و جنبشهای رهائیبخش ملی جهان سوم از تغییرات متذکره پیشبنانی نمودند.

اما برعکس کشورهای غرب در راس ایالات متحده امریکا چنان واکنش سریع و وسیع و غیرمترقبه در برابر رویداد ششم جدی از خود نشان دادند و رود نیروهای اتحادشوروی بهانه ی بود که تبلیغات وسیع را علیه جمهوری جوان افغانستان هر بیشتر تشدید بخشند و بدان هم بسنده نکرده عملن داخل مداخلات نظامی گردیدند بدین منظور گروه های مسلح و تنظیم های که قبلن در کشور پاکستان جابجاء شد بودند آنها تحت نظر مربیان استخبارات کشورهای منطقه و جهان آموزش نظامی دیده و بعد از تجهیز تسلیح به منظور تخریبات و انجام اعمال دهشت افگانه به کشور ما صادر شدند.

پاکستان به مرکز فعالیت ضد انقلاب مبدل شد:

باید خاطر نشان ساخت که خلاف تمام ادعاهای که گویا همزمان با آغاز مرحله نوین فعالیت گروههای مخالف آغاز شد قطعن حقیقت ندارد. زیرا تنظیم های گروه های مسلح بنیاد گرا اسلامی در پاکستان حتی در سالهای (۱۹۷۳- ۱۹۷۸) علیه حکومت رئیس جمهور داود به تشویق و حمایت آنکشور تشکیل شده بود و گروه های مسلح مربوط این تنظیم ها آشوبهایی را در کنرها، پکتیا، لغمان، لوگر، بدخشان و پنجشیر بوجود آوردند. تا سال ۱۹۷۸

در پاکستان هشت اردوگاه تربیه تروریستها ایجاد شده بود که در آنها اداره استخبارات نظامی آنکشور مهاجرین ساده افغانی را به جنگجویان چریکی مبدل می ساختند.



<https://www.youtube.com/watch?v=ESjSLNLUepo&t=1s>

در سالهای بعد بیش از ۳۵۰ کمپ بیشتر از سه میلیون مهاجر افغان زندگی میکردند که توسط مامورین پاکستانی به کمک کمیساری عالی ملل متحد

برای پناهندگان اداره میشد در اوایل در هرکمپ ۱۰۰۰۰ محل بود و باش برای ۱۰۰۰۰۰ نفر پیشبینی شده بود؛ اما بعدها در آن بیش از ۲۵۰۰۰ نفر زندگی میکردند که در نوع خودبزرگترین کمپ درجهان بود. خود اعتراف میکنند که محیط این کمپ ها کثیف، حفظ الصحه و امکانات طبی در سطح بسیار پائین قرارداشت. که اکثر باشنده های این کمپ ها به امراض گوناگون مبتلا شده بودند. در همین زمان بود که جنرال اختر شعار کابل باید بسوزد را داد. این پلان در سه مرحله تنظیم گردیده بود.

اول: اقدامات در جهت هماهنگ ساختن حملات برای قطع راه های اکمالاتی کابل جلوگیری از رسیدن مواد به داخل شهر برای رسیدن این هدف اجرای کمین ها در مسیر کاروانهای اکمالاتی به استقامت کابل، ازبین بردن منابع آب نوشیدنی ومنفجر ساختن بندهای آب و ازبین بردن سیستم برق رسانی و منفجرساختن شبکه برق از وظایف اساسی شان بود.

برای تحقق حملات تروریستی از هیچ وسیله ی دریغ نمیکردند و باهم گذاری در بین دفاتر دولتی، مکاتب و موسسات تعلیمی و تحصیلی، در مارکیت ها، ایستگاه های ترانسپورت عامه در بین بس های شهری، شفاخانه ها اهداف مساعد برای شان تعیین شده بود. از جمله اقدامات تروریستی باند های مخرب و دهشت افکن انفجار بم در میدان هوایی کابل، افغان کارت، و سینما پامیر از مهمترین و فجیع ترین اقدامات شان بود که باعث کشته شدن صد ها تن افراد بیگناه ملکی اعم از زن، مرد و اطفال معصوم گردید.

و سایر اقدامات تروریستی و دهشت افگانه که علیه مردم با پلان های سازمان استخباراتی پاکستان و به همکاری مجاهدین در آن زمان در مراکز شهر های کشور و بطور اخص در شهر کابل انجام شد.

بخش سوم: اقدامات دهشت افگانه شان عبارت بود از حملات راکتی دوربرد بر شهر کابل که طور دوامدار صورت میگرفت. چنانچه ده هزار راکت بر شهر کابل و اطراف ان پرتاب گردید. در این حملات به استثنای بعضی از روزهای زمستان، وقفه صورت نگرفت. از نظر دستگاه استخبارات پاکستان

کابل شهر کلان بود. و اصابت دقیق بر اهداف انتخاب شده برای آنها ناممکن و انمود می‌شد.



<https://www.youtube.com/watch?v=T^YIXsjzxt0>

جنرال یوسف اظها ر میدارد « من انکار نمیکنم که در اثر اصابت راکت های ما افراد بیگناه و هواداران مجاهدین کشته نشده است. چنین واقعات به کثرت رخ داده است. اما ما انرا عمدی انجام نداده ایم. زیرا جنگ های امروزی بدون تلفات افراد ملکی ناممکن است. هرگاه ما به دلیل اینکه افراد ملکی در چنین حملات راکتی کشته نشوند از پرتاب راکت بر شهر کابل خود داری میگردیم، این به معنی انصراف و عدول از استراتژی اصلی ما (سوختاندن شهر کابل) بود.»

قوماندان عبدالحق در حملات راکتی بر کابل نقش عمده داشت

قوماندان عبدالحق در مورد کشتن افراد ملکی، حین مصاحبه با مارک اوربان نویسنده کتاب "جنگ در افغانستان" چنین اعتراف نموده است: «هدف آنها (مجاهدین) غیر نظامیان نبود. ولی اگر ضربه من بر آنان وارد می‌گردد. برای من مهم نیست. حتی اگر خانواده ام در جوار سفارت شوروی باشد من آن ساحه را مورد ضربه قرار میدهم. اگر من آماده مرگ هستم، بگذار فرزند و همسر من نیز چنین سرنوشتی داشته باشند (در حالیکه خانواده، عبدالحق و سایر قوماندانان مسوول انداخت راکت ها در قصرهای در پاکستان به ارامی دور از ساحه انداخت راکت های کور زندگی مینمودند)

اکمالات سلاح و مهمات به گروه های دهشت افکن از طرف کشور های مداخله گر در سال ۱۹۸۳ صرف در حدود ۱۰۰۰۰ تن اسلحه و مهمات به پاکستان تسلیم داده شده و این رقم در سال ۱۹۸۷ بر ۶۵۰۰۰ تن رسید که در ان انواع گوناگون سلاح خفیه، راکت انداز، ماشیندار، توپ های بی پسلگد، راکت انداز ضدتانک و راکت های دافع هوا شامل بود. قسمت عمده این سلاح از چین، مصر و بعدها از اسرائیل خریداری میشد. در نهایت امر سنتگر نیز در اختیار این باند های بی مسولیت سپرده شد.

طبق اظهار رئیس ای، اس، ای " از سال ۱۹۸۴ تا سال ۱۹۸۷ بیشتر از ۸۰۰۰۰ مجاهد در کمپ های آموزش ما تربیه شدند و صدها هزار تن اسلحه مهمات به افغانستان ارسال شد همزمان در ۲۹ ولایت افغانستان از جانب ما پلانهای عملیاتی تخریبی طرح و عملی گردید سرانجام من توانستم با ۶۰ افسر، ۱۰۰ افسر پائین رتبه و ۳۰۰ کارمند دیگر این پروسه را رهبر نمایم.

قرار اطلاع منابع از جمله ۵۰۰۰ تن این جنگجویان تحت رهبری حزب اسلامی جهت تخریب و دهشت افگنی وارد کنرها گردیدند.

با حفظ تمام دشواری های امنیتی، سبوتاژها، فعالیت های دهشت افکنانه که عناصر ضد انقلاب انجام داد

حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان به موفقیت های قابل ملاحظه ای دست یافت. تحولات اجتماعی و اقتصادی بشمول اصلاحات اراضی و آب انجام گرفت. اقتصاد ملی و فرهنگ خلقهای کشور رشد یافت. و پروسه دموکراتیزه ساختن حیات اجتماعی و سیاسی، بسط توسعه حقوق و آزادی های دموکراتیک مردم در کشور تداوم یافت. مظاهر روشن تمایل مردم افغانستان به پشتیبانی از انقلاب توسعه روز افزون پایه های اجتماعی انقلاب، تدویر موفقانه لویه جرگه تاریخی و دموکراتیک عنعنوی و جرگه عالی قبایل و شرکت فعالانه مردم در انتخابات ارگانهای محلی قدرت و اداره دولتی از دست آورد های مثبت در زندگی مردم بود. انقلاب برابری تمام ملیتها و اقوام و قبایل کشور و حقوق مساوی برای کلیه اتباع کشور را بدون تبعیض و تمایز و صرف نظر از موقف اجتماعی ملیت، قوم، قبیله، جنس و مذهب آنان اعم از مذهب سنی و شیعه و مذاهب دیگر اعلام داشته است که در عمل تحقق بخشید.

دولت ج. د. ا صادقانه دین مبین اسلام را احترام گذاشت و آنرا رعایت و پشتیبانی نمود.

در تولید یک عده از محصولات مهم صنعتی چون زغال سنگ، انرژی برق، سمنت، مواد تعمیراتی، محصولات افغانی و غیره از دیاد به عمل آمد. مخصوصاً این امر اهمیت زیاد دارد که سهم زراعت و مالداری در رشد محصولات ناخالص ملی افزایش یافت. مثلن تولید گندم، جو، جواری، برنج، گوشت و شیر بالا رفته تعداد حیوانات مانند گاو و گوسفند بیشتر شده و مقدار زیاد تر پشم تولید گردیده است در نتیجه تدابیر مشخص حزب و دولت افزایش تولید پخته و لبلبو در همان سال بالترتیب رقم بیست و سه اعشاریه یک و بیست هشت اعشاریه شش فیصد رانسبت به سال های گذشته نشان میداد

حزب و دولت انقلابی همچنان قادر گردید. تا اقدامات را به سود توده های زحمتکش مردم و اعتلا و رشد جامعه به میدان عمل بکشاند. در مرحله نوین و اصلاحات دموکراتیک ارضی در جهت تصحیح و ادامه مرحله اول در

کشور ادامه یافت. پیروزی های تمام در زمینه حل مسایل کشاورزی جنبش کوپراتیفی را متحد ساخت. رشد تولیدات زراعتی و کمک به دهقانان در زمینه فروش محصولات تولیدی مربوط آنان از جمله اقدامات بسیار نیک دولت بشمار میرفت.

همچنان باید از تدابیر مهم در زمینه تشکل زحمتکشان کشور در چار چوب اتحادیه های صنفی افزایش دستمزد کارگران از بیست و چار الی پنجاه فیصد، عقد قرار داد های جمعی میان کلکتیف های زحمتکشان و موسسات تولیدی که برپایه ان نقش کار گران در رهبری پروسه های تولیدی تثبیت میگردد و تدوین قوانین عادلانه و دموکراتیک در زمینه کار و حقوق کارگران در ساحه جنبش کارگری افغانستان تذکر داد.

پلان هایی رویدست گرفته شد که در نتیجه آن باید کشور از عقب ماندگی دیرپای سده ها در افغانستان تداوم داشت بسوی انکشاف و ترقی سیر میکرد و زمینه را برای مقدمات ایجاد جامعه نوین عدالت اجتماعی را در کشور فراهم میساخت آنچه عملی گردیده از اهمیت فراوانی برخوردار بود.

هدف اساسی حزب ودولت پایان دادن به کلیه اشکال ستم، بیعدالتی و در مقابل گسترش معارف و فرهنگ نوین و ایجاد اقتصاد مستقل ملی و تامین وحدت نیروهای مردم بود. و این معمول صرف به پیروزی کامل انقلاب در عرصه های مختلف شیون زندگی مردم میسر بود و بس.

کار هدمند و مثر با نیروهای امنیتی:

زحمتکشان کشور ما با وجود مشکلات فراوان تحت رهبری پیشاهنگ رزمنده خویش ح.د.خ.ا در اعمار زنده گی نوین به پیروزی های انکار ناپذیر نایل گردیدند. اقتصاد ملی کشور به صورت عموم مطابق به مشی که توسط کمیته مرکزی ح.د.خ.ا در جهت رفع عقب مانده گی اقتصادی، ثبات و تحکیم سکتور دولتی و بهبود سطح زنده گی مردم تدوین شده بود، انکشاف و تکامل

مییافت. تدابیر در زمینه تشویق و رشد تولید ارتقای عواید زحمتکشان و تدوین سیستم واحد شاخص های پلان شده اتخاذ گردید.

تحکیم باز هم بیشتر همبستگی تمام اقشار جامعه ما صورت گرفته پایه اجتماعی انقلاب بسط و توسعه مییافت.

قوای مسلح ما از دستاورد های انقلاب ثور به نحو شایسته دفاع می نمودند. پرسونل قوای مسلح در مبارزه سرسختانه علیه دشمنان مردم زحمتکش ما قهرمانی ها و از خود گزری ها را تبارز داده صدها افسر، خرد ضابط و سرباز اردو، سارندوی در اثر فعالیت های قهرمانانه در جبهات جنگ و کار بامردم خویش به اخذ نشان ها و مدالهای دولتی مفتخر گردیدند.

نیروهای خاد و سارندوی در مبارزه علیه عناصر ضد انقلاب نقش بزرگی ایفا نموده و فعالیت آنها هدفمند تر گردید. کارکنان خاد و پرسونل سارندوی روز تا روز با مورال عالی رزمی در امر محو و نابودی باند های مخرب با مردانگی، شهامت گام می گذاشتند. ولی در مقابل امپریالیزم جهانی در راس ایالات متحده امریکا، نیروهای هژمونیستی و ارتجاعی که از موفقیت های مردم ما خشمگین گردیده بودند کمافی السابق به فعالیت های تجاوز گرانه و وحشانه خود در برابر انقلاب ادامه میدادند و دخالت های اشکار آنها در امور کشور ما قطع نگردیده بود و این نیرو های سیاه، جنگ پلید را برضد ما به راه انداخته و باند های ضد انقلاب را تربیه و مسلح نموده به کشور ما صادر میکردند.

اجیران و اشنگتن و پیکن به کشتار صدها انسان دست زده و به سوختن اماکن، مکاتب حاصلات و ربودن مواشی دوام میدادند. از سلاح هایی که برای رهنمان داده شده بود بر ضد شاگردان مکاتب، زنان، پیرمردان و اطفال استفاده کردند.

آنها مذبحخانه تلاش میورزدند که اعتماد مردم را نسبت به نیروهای امنیتی کشور خدشه دار سازند.

با کار تشدیدى ایدلوژیک از یکطرف با براه اندازى عملیات شجاعانه و فعالانه و سرکوب قطعى آنها از جانب دیگر پلان هاى شوم آنها را علیه مردم افغانستان خنثى مىشد. زنده یاد ببرک کارمل طى سخنرانى شان وظایف نیرو هاى امنیتی را چنین مشخص نمودند.

تمام کارها هنگامى موفقیت بار مى آورد که ما کتله هاى وسیع زحمتکشان رابه خاطر مبارزه علیه دشمنان بسیج نماییم. اما برای رسیدن به این مقصد لازم است که کار سیاسى در میان توده ها و بالخاصه در میان دهقانان به صورت فوق العاده تقویه گردد.

به همین اساس مرکز ثقل تمام امور حزبى و سازماندهى حزب باید به ولسوالى ها، علاقه داریها، قرا، دهات و مناطق قبیله وى انتقال یابد.

زنده یاد ببرک کارمل در بخشى از بیانیه شان در جلسه سوق اداره قوت هاى امنیتی به منسوبین قواى مسلح به این امر تاکید کردند.

مسائل نظامى یکى از مهمترین بخش هاى فعالیت ما را تشکیل میدهد که حل و فصل ان شرایط مساعد را جهت تحقق برنامه اجتماعى و اعمارزنده گى نوین در افغانستان فراهم مى سازد.

رهبرى حزبى ودولتى جمهورى دموکراتیک افغانستان به تطبیق تصامیم کنفرانس سر تاسرى ح.د.خ.ا و پلینوم هاى کمیته مرکزى مشى مبنى برسروکوبى و محو عناصر ضد انقلاب و بهبود سطح زنده گى اجتماعى و اقتصادى مردم و رشد فرهنگ ملی را ادامه میدهند.

علی الرغم مشکلاتى که از طرف عناصر ضدانقلاب به وجود آمده است مردم ما به موفقیت هاى انکار ناپذیر در انکشاف ملی نایل گردیده اند در کشور تولید محصولات عمده صنعتى مانند انرژى برق، زغال، سمنت و گاز طبیعى افزایش یافته است. کار هاى انکشافى جیالوجیکى برای تمدید لین برق و لتاژ بلند از اتحاد شوروى به کابل به پایان رسیده استخراج گاز طبیعى به اندازه دو اعشاریه شش ملیار متر مکعب بود.

همین اکنون تدابیر ضروری جهت انکشاف زراعت عملی میگردد. اصلاحات دموکراتیک ارضی و تقسیم زمین واب به نفع دهقانان با پیگیری پیش برده میشود. بیش از ۱۲۰۰ کوپراتیفی زراعتی که اضافه از دوصد هزار دهقان را متشکل می سازد به وجود آمده است.

در ساحه تجارت تحولات مثبت رونما گردیده است در این زمینه همکاری با اتحاد شوروی سایر کشور های شورای تعاون اقتصادی اهمیت بزرگی داشته و دارد تنها از مدرک فروش گاز طبیعی به اتحاد شوروی دولت مبلغ بیش از دوصد و شصت و هشت میلیون دالر مفاد بدست آورده است.

بنابراین وضع موجود از ما میطلبد تا بیداری و هوشیاری اردو مردم را ارتقا بخشیم مردم ما از ظلم و ستم چور و چپاول اشرار به ستوه آمده و میخواهند به سرعت هر چه تمام تر نابود گردند.

توطئه و دسایس محافل ارتجاعی در سطح ملی و بین المللی علیه کشور ما براه انداخته شد آنها تلاش میکردند. تا افکار و ذهنیت توده ها را در برابر انقلاب و دوستان بین المللی افغانستان تغییر دهند چنانچه زنده یاد ببرک کارمل نیز در این مورد چنین اظهار نظر مینمایند: « برای اینکه امروز تمام ارتجاع بین المللی، امپریالیزم بین المللی در راس امپریالیزم امریکا، هژمونیزم مرتد چین، رژیم نظامیگر پاکستان و محافل ارتجاعی پاکستان، این دشمنان کهنه کار مردم افغانستان، وارث استعمار و امپریالیزم انگلیس، ارتجاع اعراب، ارتجاع ایران، ارتجاع داخلی و ضد انقلاب سعی میکنند که انقلاب افغانستان را سرکوب کنند. باید توجه داشت که آنها از کدام طریق به این معمول برسند؟

در قدم نخست باید ذهنیت توده ها را علیه دوستی با کشور شوراها در جهت منفی تغییر داده و در سطح بین المللی انرا خدشه دار سازند. و از احساسات مردم افغانستان بنابر عقب مانده گی و بیسوادی شان استفاده نمایند. در حالیکه افغانستان کشور زحمتکشان مسلمان است. این یگانه وسیله است که علیه جمهوری جوان افغانستان استفاده کنند. تاریخ کشور ما شاهد انست که

یک مرحله غم انگیز و تراژیدی در وقت نهضت شاه امان الله به وجود آمد و در آن وقت دشمنان وطن ما، استعمار کهنه کار انگریز، زیر همین نامها و با سوء استفاده از عقب مانده گی توده ها به کمک یک سلسله خانواده های اجنت و اجبر (هدف از خانواده مجددی میباشد) خود توانست که نهضت جوان انقلابی افغانستان را در نطفه خفه سازد.

ولی ما با اتکا به اردوی قهرمان افغانستان، تا آخر در مبارزه علیه ارتجاع، امپریالیزم و هژمونیزم برای دفاع از دستاورد های انقلاب ثور به پیش خواهیم رفت. اما نباید فراموش کرد پاکستان همسایه جنوبی ما آله و وسیله امپریالیزم و هژمونیزم قرار گرفته و یک رژیم نظامیگر در آنجا حاکم است یعنی یک رژیم ترور و کودتا، به این مناسبت از خود اختیار و صلاحیت ندارد که بر میز مذاکره با ما بنشیند و ما مسایل را از لحاظ سیاسی حل فصل کنیم. باید اذعان کرد که رژیم نظامیگر پاکستان بالای انبار باروت نشسته است. کشور اخندی ایران رژیم مائویستی پیکنگ نیز کمتر از پاکستان علیه ما عمل نمی نماید .

لذا وظیفه نزدیک و درجه اول ما عبارت از تامین زنده گی آرام، امحای عناصر ضد انقلاب در مناطق مهم حیاتی کشور و دفاع اطمینان بخش از انقلاب است.

به همین منظور حزب کار تشدید مبارزه علیه بیسوادی، ایجاد کتابخانه ها، ایجاد کورس های آموزش سیاسی و راه اندازی کارهای فرهنگی را جهت ارتقاع سطح درک و شعور سیاسی منسوبین امنیتی روی دست گرفت. منسوبین قوای مسلح کشور در زمینه محو و نابودی عناصر ضد انقلاب با روحیه وفاداری به وطن و مردم کشور در برابر دسایس و توطئه عناصر ضد انقلاب که از خارج تمویل تجهیز و تسلیح میشدند با مورال عالی رزمی در میدان های نبرد فعالانه سهم میگرفتند.

اردو چون یک قدرت پر تحرک در اعماق توده های مردم از دستاورد های انقلاب، از خاک مقدس خود علیه جنگ اعلان ناشده توسط کشور های

خارجی میرزمیدن از وطن و مردم آن دفاع مینمودند نیرو های امنیتی با اتکا به مردم و دوش به دوش با مردم به حیث قدرت عظیم تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، علیه کسانیکه در خاک ما صلح و آرامش را برهم میزدند با شجاعت و از خود گزری مبارزه میکردند

گروه ها و کسانیکه فریب تبلیغات زهرآگنی دشمنان را خورده اند، بیش از پیش درمیابند که امپریالیزم بین المللی و سرکرده گان ضد انقلاب، آنان را به سوی پرتگاه نیستی، جنگ و برادر کشی میکشانند آنان با درک حقایق اهداف و وظایف انقلاب ثور، از ضد انقلاب میبرند و به زنده گی صلح آمیز باز میگردند. گرچه این پروسه بطی است ولی به پیش میرود و وسعت می یابد و در آینده نزدیک روزی فرا خواهد رسید که همه مردم زحمتکش وطن ما به عدالت، امر که به خاطر آن حزب دیموکراتیک خلق افغانستان و تمام اتباع آگاه کشور افغانستان پیکار میکنند، اعتقاد حاصل نموده از سیاست حزب و تدابیر آن جهت بالا بردن سطح زنده گی توده های وسیع مردم و رشد اقتصاد و فرهنگی جمهوری دموکراتیک افغانستان پشتیبانی نمایند. به اساس اطلاعاتی از منابع اوپرا تیفی قوماندان ها و گروههای مسلح که از جنگ خسته و از پیروزی نا امید شده بودند دوی برسه از این گروهها با دولت عقد پرتوکول نموده و یا اینکه سلاح بر زمین گذاشته صرف از منطقه خود دفاع مینمودند. و یک قسمت از این گروهها و یک تعداد از قوماندان های اشنی ناپذیرشان علیه مردم و انقلاب به جنگ ادامه میدادند.

لیکن با وجود نتایج مثبت و معین، اوضاع سیاسی و نظامی در کشور تا هنوز بشکل عادی نورمال استقرار نیافته است. دسایس امپریالیزم بین المللی مانع اساسی در راه عادی ساختن آن میباشد.

نیروهای تجاوزکار امپریالیزم در راس آن امپریالیزم امریکا از هیچ تلاش دریغ نه ورزیده اند تا از پیشرفت توده ها در مسیر رشد اجتماعی جلوگیری نمایند. به این منظور آنها مسابقه تسلیحاتی را تشدید بخشیدند و با زور گویی نظامی، و سودجویانه و مورد علاقه خویش را بالای مردم تحمیل نمایند.

همچنان در سطح بین‌المللی

وقایع وحشتناک در لبنان جایی که متحدین امپریالیزم امریکا یعنی اشغالگران صهیونیستی سیل خون‌باشنده گان غیر نظامی و بیگناه شهر بیروت و جنوب لبنان را جاری ساختند، شاهد این مطلب است. اشغالگران اسرائیلی خواستند تا سازمان ازادببخش فلسطین را محو کنند و مردم رنج‌دیده فلسطین را از تکیه گاه مبارزه شان بخاطر تعیین سرنوشت و تاسیس یک دولت مستقل محروم کنند آنها جهت بدست آوردن این هدف شوم و ناپاک خویش از میتود ها و اسلوب فاشیستهای هتلری کار گرفتند.

آنها از این میتود ناپاک خویش تلاش دارند که در افغانستان آنرا به منصفه اجرا قرار دهند. آنها در صدد وخامت هرچه بیشتر اوضاع متشنج جهانی بوده و برای اینکار به اصطلاح پرابلم افغانستان را، به طور دوامدار بهانه قرار دهند.

نیروهای امپریالیزم جهانی به سرکردگی ایالات متحده امریکا و شرکای جرم آنها در اسلام اباد و پیکن، جنگ اعلان نشده را علیه وطن محبوب ما به راه انداختند.

بر علاوه آنها از تبلیغات بیشرمانه استفاده نموده اشخاص شریف و ساده را فریب داده تلاش می‌ورزند ایشانرا برضد حکومت مردم تحریک کنند. با کمک این نیرو های سیاه فعالیت های خرابکارانه باند های اجبر، اوباش، قاتل در سرزمین مقدس ما دوام دارد. این باند ها اهالی بیگناه را ترور نموده، مکاتب شفاخانه ها را ویران میکنند و بنابر ضدیت خود با علم، معرفت و دانش، معلمان و روحانیون شریف و وطنپرست را به قتل میرسانند.

نیروهای ارتجاع، لبه تیز اعمال جنایتکارانه خویش را متوجه اعضای حزب دیموکراتیک خلق افغانستان، سازمان دیموکراتیک جوانان افغانستان، نماینده گان حکومت، روشنفکران مردمی و منسوبین نظامی ساختند.

هدف اصلی آنها نگهداشتن مردم در ترس و هراس دائمی، ایجاد بی اعتمادی مردم نسبت به حکومت ج.د.ا و بطور اخص احیای مجدد نظامی فئودالی و سیطره استثمارگران را احتوا میکرد.

زنده یاد ببرک کارمل در یکی از کنفرانس های حزبی از فعالیت قوای مسلح کشور چنین اطمینان داد:

باید به اطلاع رفا، نماینده گان کنفرانس برسانم که در سال جاری در عرصه های مبارزه با ضد انقلاب رشد اقتصادی ملی و تحقق تحولات اجتماعی موفقیت های قابل ملاحظه به دست آمده است

تمام سربازان، خرد ضابطان و افسران افغانستان که در سنگر های پیکار انقلابی تا کنون از دستاورد های انقلاب ثور دفاع کرده اند، معنن قهرمانان خلق افغانستان هستند. ولیکن قهرمانی جاویدانی عبارت از ان قهرمانی است که همیشه از یک پیروزی به پیروزی دیگرش، از یک سنگر به سنگر دیگر به قله های شامخ ترقی و آزادی کشور خود نایل ائیم.

ببینیم قهرمانان جاویدان کیهانند؟ کسانی اند که بدون آنکه لحظه به خود ببندیشند، همیشه در اعماق وجدان، روح، قلب و شرف خود در باره نسلهای آینده کشور خود، در باره سعادت و خوشبختی مادی و معنوی و رفاه فرزندان، کودکان، پسران و دختران آینده وطن مقدس خود می اندیشند، اینان قهرمانان جاویدان اند.

نیروهای مسلح قهرمان جمهور دموکراتیک افغانستان به کمک و پشتیبانی هرچه فزونتر اهالی، ضربات سنگین و هلاکتبار را به باند های صادر شده ضد انقلاب وارد نموده اند که با استقبال گرم مردم افغانستان و دوستان ما در عرصه بین المللی و سراسیمه گی و خشم ارتجاع و امپریالیزم مواجه شده است.

فرخنده باد پیروزی ششم جدی روز نجات مردم از سلطه خونتای امین و امینی ها

منابع که از آن استفاده شده است:

- یاددشتهای سیاسی و رویداد های تاریخی اثر محترم سلطان علی کاشتمند.

- کتاب تلک خرس (حقایق پشت پرده جهاد در افغانستان) اثر دگروال یوسف کارمند ارشد استخبارات پاکستان

- اردو و سیاست اثر محترم سترجنرال نبی عظیمی

- کتاب تاریخ (افغانستان در پنج قرن اخیر) اثر محترم صدیق فرهنگ

- بیانیه ببرک کارمل در جلسه فعالین حزبی قوای مسلح ۱۳۶۰

- سخنرانی زنده یاد ببرک کارمل در جلسه فعالین قوای مسلح ج،د،ا در ۲۱
اسد ۱۳۶۱

- تحکیم حزب و پیوند ان با مردم صحبت زنده یاد ببرک کارمل

- گزارش کمیته مرکزی به کنفرانس سراسری توسط زنده یاد ببرک کارمل

- سخنرانی زنده یاد ببرک کارمل در جلسه سوق اداره اردو ج،د،ا در سال
۱۳۶۱

- بیانیه شفاهی زنده یاد ببرک کارمل در اجتماع افسران، سربازان و فعالین
حزبی فرقه ۱۱ ننگرهار

- بیانیه زنده یاد ببرک کارمل تحت عنوان خطاب به سربازان و افسران فرقه
۱۷ هرات در سال ۱۳۶۱

— اسناد لائنه جاسوسی (کتاب ۲۹ - ۳۰ افغانستان)

— اسناد مربوط به اگسا برگهای سیاه از کارنامه های میر غضب دوران حفیظ
الله امین

ادريس اريب در سال 1951 در گذر ريكاخانه كابل تولد گرديده مکتب ابتدایي را در عنصري بلخي و دوره لیسسه را در لیسه استقلال به پایان رسانیده است .

در سال 1347 (1969) در اوج مبارزات انقلابي عليه حاکمیت وقت به نهضت انقلابي کشور تحت رهبری زنده ياد بيرک کارمل رو آورده عضویت حزب ديموکراتيک خلق افغانستان را حاصل نموده است.

در سال 1356 بحیث مامور وزارت ماليه شامل کار گرديده و در جریان مبارزه مخفی در زمان رژیم اختناق امين سال 1358 زندان شده و بعد پيروي قيام ششم جدی سال 1358 از زندان رهايی یافته دوباره به وزارت ماليه به کار ادامه داده و در جریان کار در وزارت ماليه در بخش های مختلف ایفای وظیفه نموده و به اتحاد شوروی جهت فرا گرفتن آموزش مسلکی فرستاده شد و بعد ن مراجعت به وطن به قوای مسلح معرفی گرديد و الی رتبه دگروالی در پست های مختلف ایفای وظیفه کرده اند. و بعد از سقوط نظام ديموکراتيک مانند ساير رفقا و هموطنان خویش جبراً ترک وطن نموده مهاجر گرديد.

در جریان مهاجرت بعد از فراه گیری زبان و اخذ ديپلوم زبان شامل کار گرديده و در جریان کار کورس های آموزش کمپيوتر را فرا گرفته و به کار وزندگی ادامه میدهد.

